

ویژه نامه 16 آذر جامعه اسلامی دانشجویان

گاهنامه فرهنگی سیاسی اجتماعی – شماره 5 آبان 1396

توجه <<< لطفاً تا آخر بخوانید >>> توجه

من در همان تحقیقات اولیه متوجه شدم که با شخصیتی مواجهم که جریانات سیاسی، انحرافی و التقاطی را به خوبی می‌شناسد و در برهه‌ای که کار سیاسی انجام می‌دهد در شناخت این جریانات پیشرو است.

ایشان اولین نفری است که نسبت به قدرت رسیدن دولت موقت اعتراض می‌کند، چون جریانات نهضت آزادی را از بدو تأسیس رصد کرده است. شهید آیت در سال ۴۲ نامه‌ای دارد به مظفر بقایی، که در آنجا در رابطه با نهضت آزادی صحبت می‌کند. در مورد اینکه این‌ها چه جریانی هستند و اهدافشان چه چیزهایی است. این یعنی اینکه از وقتی که نهضت در سال ۴۰ تشکیل شده، شهید آیت آن را رصد کرده و به محض اینکه دولت موقت تشکیل و بازرگان نخست‌وزیر می‌شود، ایشان اعتراض می‌کند که این دولت نمی‌تواند یک دولت انقلابی باشد.

در بحث بنی‌صدر ایشان اولین کسی است که نسبت به نفوذ و به قدرت رسیدن بنی‌صدر هشدار می‌دهد اما قبل از انتخابات کسی هشدارهای ایشان را جدی نمی‌گیرد و بسیاری از جریانات خودی و جامعه روحانیت مبارز به سمت بنی‌صدر متمایل می‌شوند. در واقع بنی‌صدر رأیش را مدیون جریانات خودی و جامعه روحانیت مبارز است.

در مورد سازمان مجاهدین خلق، شهید آیت بارها هشدار داده بود که با این سازمان به راحتی نمی‌شود روبرو شد چون این‌ها به سمت جنگ مسلحانه روی خواهند آورد.

شهید آیت در مورد مهندس موسوی در همان بدو ورود به حزب جمهوری اسلامی مخالفت می‌کند و به عملکرد آقای موسوی در روزنامه جمهوری اسلامی به شدت اعتراض می‌کند. همین‌طور نسبت به وزارت خارجه آقای موسوی اما آن زمان به این هشدارها توجهی نمی‌شود.

پیش‌تاز بودن ایشان در شناخت جریانات سیاسی ما را جذب کرد که چطور می‌شود یک نفر این قدر سریع و صریح جریانات انحرافی، التقاطی و ملی‌گرایی را افشا کند.

* شهید آیت چه ویژگی داشت که الان بعد از گذشت ۳۳ سال از ترورشان با برگزاری یک بزرگداشت و نگارش یک کتاب برخی این‌طور به جنب‌وجوش افتادند؟ مثلاً رسانه‌های خاص و زنجیره‌ای طوری واکنش نشان که می‌خواهند به هر نحوی شده کتاب با سانسور مواجه شود و یا اصلاً به چاپ و نشر نرسد. سعی کرده بودند این را منتسب کند به جریانات تندرو اصولگرا و برخی گفته بودند جریانات سنتی اصولگرا و جناح راست حزب جمهوری و موتلفه و کسانی که ۳ سال آخر شهید آیت با او رابطه داشتند این بزرگداشت را برگزار کردند و می‌خواهند با استفاده از آن اهداف سیاسی‌شان را دنبال کنند. به نظر شما ویژگی شهید آیت چه بوده که باعث این واکنش‌ها شده؟

شهید آیت ویژگی اصلی‌اش پیشرویی در شناخت جریانات التقاطی، انحرافی و نفوذی بوده. ایشان هیچ ملاحظه‌ای در مورد جریانات مشکوک در رابطه با انقلاب ندارد. و خیلی صریح این‌ها را بیان می‌کند.

نقش ویژه‌ای در گنجاندن اصل ولایت‌فقیه در قانون اساسی دارد و نقش ویژه‌ای در گنجاندن سپاه به‌عنوان یک اصل در قانون اساسی دارد.

آقای منصوری اولین فرمانده سپاه می‌گفت اگر نقش ایشان در گنجاندن سپاه به‌عنوان یک اصل در قانون اساسی نبود، قطعاً جریان‌ات ملی‌گرایی و جریان‌هایی که نگاه توسعه‌محور به انقلاب داشتند، سپاه را مثل جهاد سازندگی از بین می‌بردند.

مجموعه رفتارهای سیاسی که شهید آیت با جریان‌ات التقاطی دارد باعث می‌شود که ایشان یک شخصیت پرجنب‌وجوش با رفتار سیاسی افشاگرانه داشته باشد و این باعث می‌شود که همواره مورد هجمه قرار بگیرد چه در زمان حیات و چه بعد از شهادتش.

*

**** شهید آیت به‌عمد از تاریخ انقلاب حذف‌شده / برخی از به‌میان آمدن نام آیت هراس دارند ****

به نظر من شهید آیت به‌عمد از تاریخ انقلاب حذف‌شده. ما یک سری شخصیت‌هایی را داریم که در تاریخ انقلاب نسبت به آن‌ها کم‌لطفی کردیم و نتوانستیم آن‌ها و اندیشه‌هایشان را معرفی کنیم. اما چند شخصیت را هم داریم که به‌عمد از تاریخ حذف‌شده‌اند و همواره مورد هجمه قرار گرفتند. من نزدیک به ۱۵ ویژه‌نامه و پرونده بعد از شهادت شهید آیت علیه ایشان دارم که نشریات ملی‌گرایی مثل چشم‌انداز و نشریات اصلاح‌طلب مثل شرق و شهروند امروز و مهرنامه منتشر کردند.

روزنامه شرق ما را متهم به نگاه سیاسی به بزرگداشت شهید آیت کرده و تلاش کرده وانمود می‌کند که مطرح کردن آیت پس از سه دهه تنها به دلیل مخالفت وی با موسوی بوده است، درحالی‌که که ما تحقیقات بر روی شهید آیت را در اواخر سال ۸۸ آغاز کردیم اما «شهروند امروز» که متعلق به جبهه آن‌ها بود یک سال قبل از ورود آقای موسوی به انتخابات سال ۸۸ پرونده ویژه‌ای علیه شهید آیت منتشر کرد. سؤال اینجاست که چرا وقتی آقای موسوی قصد ورود به انتخابات را دارد، شهروند امروز از به‌میان آمدن نام آیت هراس دارد و علیه وی مطلب منتشر می‌کند؟

اینکه چرا در این سی‌وچند سال در مورد ایشان کاری صورت نگرفته به‌این‌علت است که، تا زمان شهادت که مدام هجمه‌های رسانه‌ای علیه ایشان در بحث نوار آیت مطرح‌شده و بعد از شهادت ایشان هم که دولت حاکم دولت آقای موسوی بوده و اصلاً در دولت ایشان هیچ فضایی وجود نداشته که بتوان حتی نامی از مخالفان آقای موسوی که حتی شهید شده بودند برد.

**** جریان موسوی و خاتمی، آیت را سانسور کردند ****

حتی در سال ۶۵ که دوستان شهید آیت می‌خواهند مراسم یادبودی برای شهید آیت برگزار کنند روزنامه جمهوری اسلامی که در اختیار آقای مسیح مهاجری است از درج خبر این مراسم خودداری می‌کند. باینکه روزنامه رسمی حزب جمهوری اسلامی بوده و شهید آیت عضو شورای مرکزی و دبیر سیاسی حزب بوده است. درنهایت روزنامه رسالت که به‌عنوان تنها منتقد دولت بوده در رابطه با شهید آیت مطلب می‌نویسند. این یعنی اینکه جریان موسوی شهید آیت را از تاریخ انقلاب سانسور کرده بوده است. در آن مقطع همه رسانه‌ها درست در اختیار دولت آقای موسوی است و بعدازآن هم وزیر ارشاد آقای محمد خاتمی است. پس از مخالفت آیت با تصدی موسوی در وزارت امور خارجه، خاتمی در روزنامه کیهان مطلبی علیه آیت منتشر می‌کند. شهید آیت نیز به این نوشته پاسخ می‌دهد. و این مجادله نوشتاری تا زمان شهادت آیت ادامه دارد. وقتی آقای خاتمی وزیر ارشاد می‌شود بازهم شهید آیت مورد سانسور قرار می‌گیرد و درواقع بعد از جنگ تحمیلی هم آقای خاتمی و کل رسانه‌های اصلاح‌طلب نه‌تنها آیت را سانسور بلکه مورد هجمه هم قرار می‌دهند.

**** اصلاح طلبان از پرداخته شدن به انحرافات موسوی هراس دارند ****

یک هفته از اکران فیلم شهید آیت در سال ۹۱ نمی‌گذشت که مهرنامه علیه آن در دو شماره پرونده ویژه کار می‌کند. سؤال اینجاست که چرا این قدر از آیت می‌ترسند؟ بزرگداشتی برای شهید آیت برگزار شده مثل صدها هزار شهید کشور چرا باید این هجمه صورت بگیرد؟

چون آیت جریان شناس بود و اگر شخصیت شهید آیت برای جامعه شناسانده شود خودبه‌خود باعث بازخوانی تاریخ انقلاب و باز شدن بسیاری از پرونده‌هایی می‌شود که اصلاح‌طلبان از آن هراس دارند و می‌خواهند همان روایت افسانه‌ای از آقای موسوی در دهه ۶۰ که پیش از حوادث سال ۸۸ ساخته بودند، باقی بماند و به انحرافات آقای موسوی پرداخته نشود.

**** داعیه‌داران اصلاح‌طلبی تندترین و غیرمنصفانه‌ترین حملات را علیه بازرگان داشتند / می‌خواستند با لودر خانه منتظری را خراب کنند! ****

کسانی که الان داعیه اصلاح‌طلبی دارند، در دهه ۶۰ تن دورترین جریان بودند و همین‌هایی که الان سنگ مرحوم بازرگان را به سینه می‌زنند آن زمان شدیدترین و گاه غیرمنصفانه‌ترین حملات را علیه بازرگان انجام دادند. کسانی که الان داعیه آقای منتظری را دارند روزی لودر برداشته بودند تا بیت ایشان را خراب کنند.

همیشه افراط و تفریط همین‌طور است و این‌ها دوست ندارند گذشته خودشان به نقد کشیده شود و ورود به دهه ۶۰ و پرونده‌هایی مثل شهید آیت، انفجار دفتر نخست‌وزیری، مک فارلین و... باعث می‌شود غبارهای بروی دهه ۶۰ برداشته شود. بخشی از این هجمه‌ها که شما نسبت به زنده کردن نام و یاد شهید آیت می‌بینید به دلیل هراس آن‌ها از ورود نسل سوم انقلاب به تاریخ‌نگاری دهه ۶۰ مربوط می‌شود. همان‌طور که با فیلم "من روحانی هستم" همین برخورد شد. درحالی‌که سازندگان آن از خاطرات خود آقای روحانی و آقای هاشمی استفاده کرده بودند.

**** نظر شهید آیت درباره بحث مرجعیت و ولایت‌فقیه در انقلاب اسلامی چه بوده؟**

شهید آیت به دلیل مطالعات گسترده‌ای که در حوزه تاریخ مشروطه و نهضت ملی شدن صنعت نفت دارد به این نتیجه می‌رسد که جریان‌های فراماسونری و ملی‌گرا همواره پس‌ازاینکه یک نهضت به رهبری روحانیت آغاز می‌شود در آن نفوذ کرده و با موج‌سواری، رهبری آن را از روحانیت می‌گیرد و با کنار زدن روحانیت دوباره همان جریان ضد روحانیت و سکولار سرکار می‌آورد.

شهید آیت در ابتدای انقلاب به شدت ترس از این دارد که همان بلایی که فراماسونرها بر سر شیخ فضل‌الله نوری آوردند و امثال تقی زاده توانستند نهضتی را که با رهبری روحانیت آغاز شده بود را به انحراف بکشانند و با همان بلایی را که مصدق بر سر آیت‌الله کاشانی آورد و ایشان را خانه‌نشین کرد و با کودتای ساختگی دوباره کشور را به استبداد رساند، همین بلا را بر سر امام خمینی (ره) بیاورند.

آیت رمز اینکه این اتفاق نیفتد را این می‌داند که ولایت‌فقیه در قانون اساسی گنجانده شود. امام درس‌های ولایت‌فقیه را از سال ۴۷ در نجف آغاز می‌کند و کتاب‌های ایشان منتشر می‌شود و شهید آیت از همان مقطع با اندیشه‌های امام آشنا شده و در مجلس خبرگان نقطه ثقل حکومت اسلامی را ولایت‌فقیه می‌داند.

**** شهید آیت: من به خاطر تصویب اصل ولایت فقیه وارد مجلس شده‌ام ****

آیت در مجلس خبرگان قانون اساسی در دفاع از اصل ولایت فقیه می‌گوید: من اصلاً به خاطر تصویب این اصل در قانون اساسی وارد مجلس شده‌ام و تا زمانی که این اصل تصویب نشود حکومت اسلامی را مستقر نمی‌دانم.

آیت به همراه شهید بهشتی، شهید هاشمی نژاد، آیت‌الله منتظری، شهید باهنر، مرحوم پرورش، رشیدیان و... سعی می‌کند تا اصل ولایت فقیه را تصویب کنند. آنجا هم با یک هجوم بسیار شدید مواجه می‌شود، یعنی ملی‌گراها و امثال بنی‌صدر، مقدم مراغه‌ای، صدر حاج سید جوادی، سبحانی و... سعی می‌کنند این اصل تصویب نشود و حتی توطئه انحلال مجلس خبرگان را هم مطرح می‌شود اما در نهایت خوشبختانه با روشننگری شهید آیت و سایر دوستان این اصل تصویب می‌شود.



**** ارتباط شهید آیت با مظفر بقایی چگونه بوده؟**

شهید آیت اواخر سال ۳۹ وارد حزب زحمتکشان شد و تا سال ۴۲ با آن‌ها همکاری می‌کند. آیت یک نامه ۹۲ صفحه‌ای خطاب به بقایی دارد که در آن بیان می‌کند که در چه شرایطی وارد این حزب شده است. آیت می‌گوید من در شرایطی وارد حزب شدم که به‌غیر از حزب زحمتکشان تنها دو جریان در کشور فعالیت سیاسی می‌کرد یک جریان حزب توده که کاملاً سرسپرده شوروی بودند و جریان دیگر طرفداران مصدق بودند که هر دو این‌ها جای آیت نبود. بنابراین آیت حزب زحمتکشان را انتخاب می‌کند که دو ویژگی اصلی داشت. یکی اینکه این حزب ضد مصدقی بود و دیگر اینکه بقایی مورد حمایت آیت‌الله کاشانی بود و ایشان تا آخر عمر با بقایی روابط بسیار حسنه‌ای داشت و حتی فرزندان آیت‌الله کاشانی در حزب رفت و آمد داشتند. در واقع این حزب محلی بود برای مذهبی‌ها و طرفداران آیت‌الله کاشانی که ضد مصدق بودند.

آیت به قصد مبارزه با رژیم پهلوی وارد حزب می‌شود اما در مدت کمی متوجه می‌شود که بقایی به مبارزه در چارچوب قانون و حفظ سلطنت اعتقاد دارد و به خاطر همین زمانی که قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲ اتفاق می‌افتد شهید آیت بسیار تلاش می‌کند که بقایی را به سمت مبارزه علنی با شاه و حمایت از روحانیون سوق بدهد اما بقایی نمی‌پذیرد و آیت به تدریج از او فاصله می‌گیرد.

اما چون آیت در اواخر حضورش در حزب اعضا را به سمت مبارزه علنی با شاه تحریک می‌کند، بقایی دستور اخراج آیت از حزب را می‌دهد. با ورود امام شهید آیت مثل خیلی از کسانی که در احزاب و دسته‌های بسیار بودند آن‌ها را رها کرده و به امام پیوست.

*** گفته می‌شود که نظرات و صحبت‌های شهید آیت در روزنامه جمهوری اسلامی که روزنامه حزب بوده علناً سانسور می‌شده است، آیا چنین چیزی صحت دارد؟**

آن زمان آقای موسوی سردبیر بود و وی از چاپ مقالات شهید آیت در نقد مصدق امتناع می‌کرد. اصل درگیری شهید آیت با وی درگیری شخصی نیست بلکه به افکاری است که آقای موسوی دارد. آقای موسوی جزو شاگردان حبیب‌الله پیمان رئیس جنبش مسلمانان مبارز است و گرایش‌ها سوسیالیستی دارد. از طرفی آقای موسوی طرفدار متعصب مصدق است. البته همواره سعی بر پنهان کردن این گرایش‌ها داشته است. شهید آیت نسبت به همین گرایش‌های آقای موسوی حساس است.

*** شهید آیت ، میرحسین موسوی را یک نفوذی در انقلاب می‌دانست ***

شهید آیت معتقد بر این است که هر موقع انقلابی اتفاق می‌افتد جریان‌هایی در این انقلاب نفوذ می‌کنند، رهبری انقلاب را به دست می‌گیرند و می‌توانند انقلاب را به انحراف بکشانند. نگاه شهید آیت به آقای موسوی این‌گونه است. یعنی اعتقادش این است که آقای موسوی به انقلاب نفوذ کرده تا آن را منحرف کند.

آقای موسوی سرمقاله‌هایی که در جمهوری اسلامی می‌نویسد همه در دفاع از مصدق است حتی در یکی از سرمقاله‌های مصدق را با امام حسین (ع) مقایسه می‌کند و راه مصدق را ادامه‌دهنده راه کربلا می‌داند!

درگیری آقای موسوی با آقای آیت به حدی است که حتی وقتی شهید آیت مطلبی در رابطه با مصدق و اسنادی در مورد فراماسونر بودن وی در اختیار روزنامه قرار می‌دهد آقای موسوی حاضر به چاپ آن نمی‌شود درحالی‌که شهید آیت دبیر سیاسی حزب بوده و روزنامه جمهوری اسلامی هم ارگان رسمی حزب بوده است و درنهایت با فشار اعضای حزب آقای موسوی ناچار می‌شود مقاله شهید آیت را چاپ کند ولی بالای آن می‌نویسد این نظر شخصی آیت است نه ما!

*** اگر یک صف‌بندی کلی بخواهیم مطرح کنیم، به نظر شما مخالفان شهید آیت از چه طیف‌ها و دسته‌هایی بودند؟ قاعدتاً باید اهداف همگی آن‌ها در یک راستا بوده باشد و این هدف چیست؟**

مجموعه گروه‌ها و جریاناتی که با روحانیت و ولایت‌فقیه تعارض دارند مخالفین شهید آیت هستند. این گروه‌ها شامل چه کسانی هستند؟ از جبهه ملی بگیرد تا نهضت آزادی و تا دارو دسته داریوش فروهر و چریک‌های فدایی خلق و سازمان مجاهدین خلق و جنبش مسلمانان مبارز و پیمان و بنی‌صدر و خلاصه همه جریاناتی که با ولایت‌فقیه در تعارض بودند. خود شهید آیت می‌گوید ریشه همه کینه‌ها و عنادها علیه او به خاطر نقشی بوده است که وی در تصویب اصل ولایت‌فقیه در قانون اساسی داشته است.

*** آقای اسرافیلیان نماینده دور دوم مجلس و از دوستان شهید آیت که در مصاحبه‌ای در ۲۷ خرداد ۸۷ با هفته‌نامه شهروند امروز و قبل از اینکه آقای موسوی بخواهد برای کاندیداتوری ریاست جمهوری مطرح شود، تلویحاً می‌گوید که دکتر آیت اسنادی علیه موسوی داشته است، شما در تحقیقاتتان به چه نتیجه‌ای رسیده‌اید؟ آیا شما در کتاب به این مباحث اشاره کردید که خط قرمز تلقی شده باشد یا نه؟**

در اینکه شهید آیت مطالعات گسترده‌ای در تاریخ انقلاب و جمع‌آوری اسناد داشته شکی نیست و حتی سند فراماسونری مصدق را در کتابش با نام «چهره حقیقی مصدق السلطنه» چاپ می‌کند. در این هم که شهید آیت با آقای موسوی در تعارض بوده شکی نیست. کما اینکه در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی در روز ۷ تیر ۱۳۶۰ علیه آقای موسوی صحبت می‌کند. در آن روز دو جلسه در حزب برگزار می‌شود یک جلسه قبل از نماز مغرب و یک جلسه بعد از نماز که جلسه دوم منجر به انفجار می‌شود. در جلسه اول بحث وزارت امور خارجه آقای موسوی مطرح می‌شود که شهید آیت همان‌جا اعلام می‌کند که در مجلس رأی منفی خواهد داد و می‌گوید من در رابطه با آقای موسوی در مجلس مخالفت می‌کنم.

البته آقای موسوی دو بار وزیر امور خارجه می‌شود. یک‌بار در زمانی که بنی‌صدر فرار کرده و شهید رجایی نخست‌وزیر است. چراکه در طول دوران ریاست جمهوری بنی‌صدر دولت وزیر امور خارجه ندارد و آقای رجایی بعد از فرار بنی‌صدر آقای موسوی را به‌عنوان وزیر امور خارجه معرفی می‌کند که شهید آیت در مجلس مخالفت می‌کند و آقای موسوی جمعاً با ۸ رأی مخالف وزیر امور خارجه

می‌شود. بار دوم زمانی که شهید رجایی رئیس‌جمهور و آقای باهنر نخست‌وزیر است و موسوی برای وزارت خارجه به مجلس معرفی می‌شود و در اینجا دیگر شهید آیت به شهادت رسیده است.

دوستان شهید آیت معتقدند که وی در روزی که شهید باهنر کابینه خود را برای کسب رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌کند و موسوی نیز برای دوم به‌عنوان وزیر امور خارجه جزو این کابینه است، قصد افشای اسنادی علیه موسوی را داشته است.

اما آیا ایشان اسناد و مدارکی داشته یا نه؟ من در تحقیقاتم به شخصی به نام **پروفسور محمد مکرری** برخورددم. ایشان سفیر ایران در شوروی و استاد دانشگاه سوربن فرانسه بوده که مطالعات گسترده‌ای در مباحث فراماسونری داشته و کتاب‌های متعددی در رشته ادبیات و زبان فارسی تألیف کرده است. در تحقیقاتم رسیدم به اینکه ایشان ظاهراً با شهید آیت ارتباط داشته و در رابطه با اسناد و مدارک که آقای آیت جمع کرده بوده اطلاع داشته. اما متأسفانه ایشان سال ۸۶ در فرانسه فوت کرده بودند. اما در این حین با **دکتر محمدجواد سالاری** آشنا شدم که مدتی معاون شهید نامجو در وزارت دفاع و سفیر ایران در آلمان بوده و از دوستان مشترک شهید آیت و مکرری بوده.

***** اسناد آیت علیه موسوی سرقت شده است *****

آقای سالاری به بنده گفتند که مکرری برای او تعریف کرده است که آیت پیش از شهادت با او تماس گرفته و خبر از اسنادی درباره موسوی داده است. مکرری گفته بود که بعدها در جریان دیداری آیت این اسناد را به وی داده است. مکرری گفته که این اسناد را در لابه‌لای جلد کتاب دایره المعارف «لاروس» در کتابخانه شخصی‌اش مخفی می‌کند. دفتر اطلاعات نخست‌وزیری دولت آقای موسوی، آقای مکرری را در سال ۶۴ به جرم جاسوسی دستگیر می‌کند و مکرری این مطالب را بعد از آزادی برای دکتر سالاری تعریف می‌کند و می‌گوید وقتی در زندان بوده مدام از او می‌پرسیدند که آیت چه اسنادی به تو داده است؟

مکرری گفته بعد از آزادی وقتی به کتابخانه شخصی‌اش برمی‌گردد می‌بیند کتاب‌هایش به‌هم‌ریخته و اسناد به سرقت برده شده. من در پژوهش‌هایم به بیش از این نتیجه نرسیدم.



* دلیلی هم برای این نوع نگاه که موسوی را نفوذی و انقلابی جعلی می‌داند وجود دارد؟

دلیلش سوابق و دیدگاه‌های آقای موسوی و همسرش است. موسوی به شدن تحت تأثیر همسرش بوده و هست. خانم رهنورد اسم اصلی‌شان زهره کاظمی است و بعد از انقلاب اسمش را عوض می‌کند و نام مستعار آقای موسوی قبل از انقلاب نیز حسین رهجو بوده است. پدر آقای موسوی تاجر چای بوده و خانواده بسیار مذهبی دارد. ایشان سال ۴۰ وارد دانشکده معماری دانشگاه ملی، شهید بهشتی الآن می‌شود در آنجا با عبدالعلی بازرگان فرزند مهندس بازرگان و حسن آلاپوش همراه می‌شود و انجمن اسلامی دانشگاه را تأسیس می‌کند.

حسن آلاپوش در سال ۴۸-۴۷ وارد سازمان مجاهدین خلق می‌شود و مارکسیست می‌شود و سرانجام در درگیری با ساواک کشته می‌شود. آقای موسوی آرام آرام به سمت نهضت آزادی و پیمان می‌رود. پیمان دارای افکار سوسیالیستی بوده و ایشان در واقع نگاه سوسیالیستی به اسلام داشته.

آقای موسوی سوابق مبارزاتی ندارد حتی موقعی که با نهضت آزادی همراه است کار مبارزاتی خاصی نمی‌کند و هوادار ساده است و فقط زمانی که با آلاپوش و بازرگان یک شرکت مهندسی به نام سمرقند می‌زند گفته می‌شود آنجا کار مبارزاتی می‌کردند اما وقتی دستگیری‌ها صورت می‌گیرد همه را به‌جز آقای موسوی در بازداشت نگه می‌دارند.

**** موسوی سابقه مبارزاتی و انقلابی نداشته است ****

ایشان در سال ۵۵ به همراه خانم رهنورد از کشور خارج و به آمریکا می‌روند. دلیل این سفر مشخص نیست و ظاهراً ادامه تحصیل عنوان می‌شود اما ایشان مدرک تحصیلی در آن مقطع نمی‌گیرد و در آستانه انقلاب به کشور برمی‌گردد.

آقای موسوی در فیلم تبلیغاتی خودش در سال ۸۸ می‌گوید اولین بار امام را در فرودگاه دیدم و این نشانه این است که ایشان آنقدر از فعالیت مبارزاتی به دور بوده است. خیلی‌ها گاه حتی دانشجویان ساده در آن برهه چه به نجف و چه به فرانسه سفر کردند و با امام دیدار داشتند. البته منظورم این نیست که صرف دیدار با امام سابقه انقلابی محسوب می‌شود، نه! اما ایشان از این جریانات مبارزاتی به دور بوده است.

سؤال اینجاست که چه اتفاقاتی می‌افتد که شخصی که تحصیلات ویژه‌ای ندارد و کار مبارزاتی خاصی نکرده و زندان هم نرفته در کمتر از سه سال می‌شود بالاترین رده بعد از امام؟ آقای علی محمد بشارتی وزیر کشور آقای هاشمی در سال ۹۰ به بنده می‌گفتند هنوز که هنوز است من نمی‌دانم چه شد که آقای موسوی نخست‌وزیر شد!

**** جریانی همواره دنبال به قدرت رساندن موسوی بوده است ****

جریانی در کشور به صورت جدی به دنبال نخست‌وزیری آقای موسوی حتی قبل از شهادت شهید رجایی بوده، در خاطرات آقای هاشمی هست که قبل از اینکه آقای رجایی رئیس‌جمهور و آقای باهنر نخست‌وزیر شود، آقای عبدالله نوری برای نخست‌وزیری آقای موسوی رایزنی می‌کند. بعد از انفجار دفتر نخست‌وزیری و شهادت رجایی و باهنر که این پرونده نیز هنوز باز است، جریانی که در این پرونده متهم است یعنی آقای بهزاد نبوی، تلاش می‌کند موسوی را نخست‌وزیر کند و دقیقاً بعد از انفجار این جریان به قدرت می‌رسد.

بعداً این که آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور می‌شوند گزینه اول نخست‌وزیری‌شان آقای ولایتی است. در خاطرات آقای هاشمی آمده که آقای بهزاد نبوی چند روز قبل از جلسه رأی اعتماد به ولایتی با آقای هاشمی صحبت می‌کند که آقای موسوی نخست‌وزیر شود. با جریانی که علیه ولایتی در مجلس ترتیب می‌دهند در نهایت آقای ولایتی رأی نمی‌آورد. آقای پرورش و آقای غرضی نیز همین‌طور می‌شوند. و در نهایت مجلس با لابی‌گری سازمان مجاهدین انقلاب در داخل و خارج مجلس به آقای موسوی رأی می‌دهد.

آقای موسوی پس از نخست‌وزیری به کابینه شهید رجایی دست نمی‌زند و همان کابینه را برای رأی اعتماد به مجلس می‌فرستد که متشکل از دو طیف است، یک طیف معتقد به اقتصاد دولتی که اقتصاد سوسیالیستی است و در صدرشان آقای بهزاد نبوی بوده و طیف دیگر معتقد به اقتصاد خصوصی‌اند که آقای عسگراولادی و مرتضی نبوی و احمد توکلی و ناطق نوری و ولایتی و پرورش هستند. اختلافات این دو طیف آنقدر زیاد می‌شود که سال ۶۲، ۷ نفر از وزرا یعنی جناح راست کابینه تصمیم به استعفا می‌گیرند ولی با میانجیگری امام (ره) در نهایت آقای احمد توکلی و عسگراولادی از کابینه خارج می‌شوند. هرچه دولت جلوتر می‌رود این درگیری‌ها زیادتر می‌شود و در نهایت سال ۶۴ آیت‌الله خامنه‌ای به این نتیجه می‌رسد که برای بار دوم آقای موسوی را به‌عنوان نخست‌وزیر اعلام نکنند.

**** فشار به امام برای نخست‌وزیر شدن موسوی / نمایندگان ضد موسوی را در مجلس کتک زدند! ****

اما دوباره جریاناتی در کشور راه می‌افتد که آقای موسوی برای بار دوم به نخست‌وزیر برساند. آقای محسن رضایی به امام نامه می‌نویسد و اعلام می‌کند که هرکسی به‌غیر از آقای موسوی نخست‌وزیر شود روحیه رزمنده‌ها تضعیف می‌شود و رزمندگان بدون موسوی انگشتشان به ماشه نمی‌رود! آقای خاتمی، آقای هاشمی، آقای موسوی اردبیلی و ۱۳۵ نفر از نمایندگان جریان چپ

مجلس که امروز با نام اصلاح‌طلب به حیات سیاسی خود ادامه می‌دهند همه به‌نوعی امام را تحت‌فشار قرار می‌دهند که هرکسی غیر از آقای موسوی انتخاب شود برای کشور خطرناک است. و امام بنا به مصلحت و وضعیت جنگی کشور آیت‌الله خامنه‌ای را متقاعد می‌کنند که برای بار دوم نیز موسوی را به مجلس معرفی کنند.

علی‌رغم همه فشارها ۹۹ نفر از نمایندگان مجلس به ایشان رأی مخالف می‌دهند یعنی تقریباً ۱۲ برابر زمانی که شهید آیت با وزارت امور خارجه موسوی مخالفت می‌کند. پس از انتخاب موسوی حامیان وی شروع می‌کنند به تخریب این ۹۹ نفر. سخنرانی‌های این‌ها را در کشور به هم می‌زنند. حتی آقای هادی غفاری نمایندگان مخالف آقای موسوی را در مجلس کتک می‌زنند!

آقای موسوی در دور دوم نخست‌وزیری‌اش کاملاً طیف راست کابینه را حذف و به‌جز رفیق‌دوست و ولایتی که به خواست امام در کابینه بودند بقیه را حذف می‌کند. و دولت کاملاً در دست جریان چپ می‌افتد که واقعاً خفقان کم‌نظیری در کشور حاکم می‌شود.

حامیان آقای موسوی هرگونه مخالفت با آقای موسوی را مخالفت با امام و ولایت‌فقیه تعبیر می‌کنند و منتقدین را با زدن برچسب ضد ولایت‌فقیه از صحنه سیاسی کشور حذف می‌کنند.

**** جریانی که موسوی را به نخست‌وزیری رساند، متهم به انفجار هفتم تیر است ****

جریانی که آقای موسوی را به قدرت می‌رساند جریانی است که مورد اتهام جدی در پرونده انفجار نخست‌وزیری است که هنوز هم پرونده مختومه نشده علی‌رغم اینکه گفته می‌شود حضرت امام آن را مختومه کردند به گفته آقای رئیسی هنوز مختومه نشده است. همین جریان در سال ۶۸ در مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری دولت آقای هاشمی گرد هم جمع می‌شوند و حلقه کیان را راه می‌اندازد و در نهایت منجر به دوم خرداد می‌شود و همین جریان است که ماجرای ۱۸ تیر ۷۸ و فتنه سال ۸۸ را هم سازمان‌دهی می‌کند.



با توجه به مخالفت شهید آیت با جریان آقای موسوی می‌توان فهمید که ایشان چیزهایی را می‌دیدند که بقیه از دیدن آن عاجز بودند و ما همیشه در تاریخ انقلاب و در برهه‌های حساس با همین رویکرد مواجه بودیم. متأسفانه به هشدارهای کسانی که روشن‌گر بودند و چند قدم جلوتر را می‌دیدند توجهی نشده و ضررش را هم دیده‌ایم. من شرح مفصلی از این بحث‌ها را در کتاب آورده‌ام.

*** به نظر شما چرا وزارت ارشاد مجوز نشر این کتاب را صادر نکرد؟ قسمت‌هایی که گفتند باید حذف شود، آیا دلیلی برای آن ذکر شده یا صرفاً سلیقه‌ای بوده؟**

کتاب سه محور اصلی دارد: ۱- مواجه شهید آیت با جریان ملی‌گرایی ۲- مواجه شهید آیت با جریان بنی‌صدر ۳- مواجه شهید آیت با جریان آقای موسوی در دهه ۶۰، ممیزی کتاب شامل هر سه محور کتاب شده اما عمده بخش‌هایی که منجر به ممیزی شده مربوط به بخش آخر و تقابل شهید آیت با آقای موسوی است.

من در کتاب با استفاده از اسناد و مدارک کار پژوهشی را آغاز کردم و مطلبی را بدون سند نیاوردم. یا با استفاده از تاریخ شفاهی بوده یا با استفاده از خاطرات خود آقایان بوده، مثلاً یکی از بخش‌هایی که ایراد گرفته بودند راجع به خاطرات آقای هاشمی بود. از جاهایی که ممیزی کردن در مورد نحوه به قدرت رسیدن آقای موسوی و حمایت آقای هاشمی در نخست‌وزیر شدن آقای موسوی در دور اول و دور دوم و اختلافات آقای موسوی با مقام معظم رهبری محورهای است که مورد اشکال قرار گرفته به‌علاوه مواردی که در مورد ابهامات ترور شهید آیت مطرح شده.

من ابهامات ترور شهید آیت را با استفاده از پرونده ترور ایشان که از دادگاه انقلاب اسلامی گرفتیم مورد کنکاش قراردادام، اما متأسفانه قریب به ۳۰ صفحه از کتاب مورد ممیزی قرار گرفته و مجوز انتشار نگرفت.

* مجموعاً کتاب چند صفحه است؟

۷۵۰ صفحه

* از آنجاکه کتاب شهید آیت بخشی از تاریخ انقلاب اسلامی را به استناد تاریخ شفاهی و اسناد مکتوب روایت می‌کند، این برخوردی که خواسته‌شده بخش‌هایی از تاریخ انقلاب اسلامی از کتاب حذف شود چه نسبتی با اعتدال دارد؟ با توجه به اینکه پیش‌از این ادعای آزادی در نشر و واگذار نمودن ممیزی به خود ناشران مطرح‌شده، این برخورد چه توجیهی دارد؟

ببینید اولاً نفس ممیزی مشکلی ندارد و قانون این اجازه را به وزارت ارشاد می‌دهد که بخش‌هایی از هر کتاب که مغایر با قوانین باشد را حذف نماید، پس بحث ما ممیزی نیست.

* بحث ما این است که این دولت شعار حذف ممیزی را در ابتدا داده بود و بحث دوم این که حالا چه بخش‌هایی مورد ممیزی قرار گرفته؟ آیا در کتاب حرفی بدون سند و مدرک زده‌شده است؟

مثلاً یکی از بحث‌هایی که مورد ممیزی قرار گرفته بحث‌هایی است که در مورد رفتار سیاسی آقای حسن حبیبی بوده. من رفتار سیاسی ایشان را در طی فعالیت‌های سیاسی‌شان توضیح داده و به‌نقد کشاندم و در واقع شیفت‌هایی که ایشان به سمت جریان چپ و راست داشته را بیان کردم. بخشی از این مطالب از سخنان حبیبی در نشریات در دهه ۵۰ و ۶۰ و بخشی دیگر از مطالبی است که ماهنامه «مهرنامه» پس از درگذشت حبیبی منتشر کرده. صحبت اینجاست که اگر این مطالب کذب بوده و یا هر چه که بوده، در مهرنامه به چاپ رسیده، چرا با مهرنامه برخورد نشده؟

در بخش‌هایی که به اختلافات آقای موسوی و آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته‌شده از خاطرات آقای هاشمی استفاده‌شده است. اصلاً ما در مورد دهه ۶۰ جامع‌تر از خاطرات آقای هاشمی چیز دیگری نداریم و کتاب ایشان یک روزشمار دقیق از تاریخ انقلاب است.

این رویکرد مناسبی نیست که دولت آقای روحانی در کمتر از یک سال از عمر خود، نسبت به موضوعی که قبل از تشکیل دولت ابراز کرده بودند بخواهند خلاف آن را انجام دهد. **مشخص نیست که چرا آن بخش‌هایی از کتاب که در مورد جریان آقای موسوی است باید حذف شود و در حقیقت چرا باید آقای موسوی خط قرمز دولت آقای روحانی باشد؟**

من فکر می‌کنم دولت آقای روحانی و همچنین جریان اصلاحات در کشور تمایل ندارد تاریخ انقلاب در دهه ۶۰ مورد بررسی قرار گیرد. این نوع برخوردهای چکشی که با فیلم “من روحانی هستم” و یا با کتاب بنده صورت گرفته به خاطر این است که ما دهه ۶۰ را ورق زده‌ایم و خیلی از تابوهای که دوستان اصلاح‌طلب از دهه ۶۰ ساختند را شکستیم.

* برای رفع موانع نشر اقدامات خاصی از طرف شما یا انتشارات صورت گرفته؟

بیش از یک ماه است که کتاب در مرحله گرفتن مجوز متوقف‌شده است و چندین گروه در ارشاد قم کتاب را خواندند و آقای شمس مدیر ارشاد قم هم کتاب را خوانده و در نهایت رأی به حذف بخش‌هایی از کتاب داده‌اند. این حذفیات مربوط به بخش‌هایی است که به اصطلاح **نخ تسبیح کتاب است** و اگر این نخ را برداریم با دانه‌های از هم‌پاشیده مواجه می‌شویم. من تا الآن راضی به حذف نشده‌ام چراکه مطالب کاملاً مستند است.

مثلاً یکی از بخش‌هایی که مورد ممیزی قرار گرفته درباره سوابق خانم رهنورد در پیش از انقلاب است.

* چه سوابقی؟

درباره افکار، عقاید، خانواده و نوع حجاب ایشان که این‌ها دقیقاً برگرفته از خاطرات خود ایشان است.

* یعنی ایشان این مطالب را خودشان گفته‌اند؟

بله. خانم رهنورد در سال ۸۶ مصاحبه‌ای با روزنامه اطلاعات دارد که در کتابی به نام «سیاستمداران جوان» منتشر شده است و در آنجا به تفصیل این سوابق را توضیح داده. شاید برای شما جالب باشد که بدانید خانم رهنورد در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی کاندیدا می‌شود و با ۷۷ هزار رأی در تهران چهلیم می‌شود و در مصاحبه با روزنامه جمهوری که سردبیرش همسرش است اعلام می‌کند که تقلب شده است! من عین این مصاحبه را در کتاب آورده‌ام.

* مسئولین وزارت ارشاد پیگیری خاصی کردند؟ یا شما توقع خاصی از وزارت ارشاد دارید برای اینکه کتاب سریع‌تر بتواند چاپ شود؟

رایزنی ما با ارشاد همچنان ادامه دارد و ما مستنداتمان را غیر از کتاب به آن‌ها ارائه دادیم و تا جایی که خبردارم ظاهراً ارشاد تهران وارد عمل شده ولی هنوز جواب رسمی داده نشده است.

* در تهیه کتاب از طرف نهادهای دولتی کمک خاصی به شما شد؟

نه، من فقط از مراکز پژوهشی استفاده کردم مثل مرکز اسناد انقلاب اسلامی، موسسه پژوهش‌های سیاسی، موسسه تاریخ مطالعات معاصر، آرشیو مجلس و در واقع از همه مراکزی که در اختیار همه پژوهشگران هست استفاده کردم که هرکسی کار پژوهشی داشته باشد می‌تواند از آن‌ها استفاده کند و اسناد ویژه‌ای در اختیار من قرار نگرفته است.